

## نقش نهضت عاشورا در انقلاب ایران

### از نگاه شعر معاصر عربی

دکتر جلال مرادی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

(از ص ۹۷ تا ص ۱۱۴)

#### چکیده

این مقاله پس از نگاهی اجمالی به اصول و عوامل شکل‌گیری نهضت عاشورای حسینی، تأثیر و نقش آنها را در پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده است.

شاعران عربی معاصر با الهام از بیانات و سیره عملی امام حسین (ع) در قیام عاشورا که در نهضت امام خمینی (ره) و اندیشه عاشورایی او تبلور و تجلی یافته و در پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسزایی ایفا کرده است، توانسته‌اند از نقش حسین گونه امام (ره) نسبت به شناخت عوامل یاد شده، آشنا کردن مردم به اوضاع و شرایط موجود در جامعه ایران ایجاد شور و حماسه حسینی در دل مردم ایران جهت برپایی قیام عاشورایی و نهایتاً پیروزی انقلاب اسلامی، تصویر گویا، زیبا و درخور تحسینی ارائه دهند.

#### واژه‌های کلیدی

عاشورا، تأثیر نهضت عاشورا، انقلاب اسلامی در شعر معاصر عرب، امام حسین (ع)، امام خمینی.

## مقدمه

بررسی علل و عواملی که موجب پیدایش انقلاب اسلامی و پیروزی آن گردید، ما را از آفاق اندیشه و فرهنگ عاشورایی امام خمینی (ره) - که از اندیشه ناب و اصیل امام حسین (ع) سرچشمه می‌گیرد - آگاه و مطلع می‌سازد. از این رو، نخست برخی از علل و عوامل که موجب قیام عاشورا گردید، بر می‌شماریم تا نقش و جایگاه آنها را در نهضت عاشورایی امام خمینی (ره) دریابیم؛ زیرا که او خود به مناسبت سالگرد پانزده خرداد فرموده است: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است» (خمینی، صحیفه، ۱۶/۱۸). سپس نقش و تأثیر همه جانبه نهضت عاشورا را بر انقلاب اسلامی ایران از دید شاعران معاصر عرب بررسی می‌کنیم تا جلوه‌های آن را که در آینه شعر معاصر عربی منعکس گردیده است، به خوانندگان عزیز بنمایانیم.

## عوامل قیام عاشورایی امام (ره)

## - حکومت جور و حاکم ستمگر

از جمله علل و عواملی که موجب شد امام حسین (ع) قیام عاشورا را برپا کند، وجود حاکم ظالم و جائری بودک، بر مردم حکومت می‌راند و بر آنان ظلم روا می‌داشت.

امام (ع) این مطلب را در منطقه «بیضه» آنگاه که در میان یاران خویش و همراهان حر خطبه خواند، از زبان پیامبر نقل کرد و فرمود:

«ایها الناس ان رسول الله (ص) قال: من رای سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله، ناکثاً لعهد الله، مخالفاً لسنة رسول الله، يعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان؛ فلم یغیر علیه بفعل ولا قول کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله؟ (طبری، تاریخ، ۳۰۴/۴). ای مردم! پیامبر خدا (ص) فرمود: هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام‌های خدا

را حلال می‌شمرد و پیمان خدا را می‌شکند و با سنت پیامبر خدا مخالفت می‌ورزد و با گناه و دشمنی در میان بندگان خدا حکم می‌راند؛ پس او را با کردار و گفتار انکار نکند، بر خدا لازم است او را با جایگاه سلطان در آورد.»

در شعر معاصر عرب علت یاد شده را از جمله عوامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، نهضت عاشورایی امام خمینی (ره) می‌بینیم که شاعر به گونه زیبا با الهام از حدیث امام حسین (ع) که علت قیام خویش را حکومت جور مطرح ساخت، امام خمینی (ره) را حسین زمان معرفی کرده، می‌گوید: خمینی (ره) اندیشه امام حسین (ع) را نسبت به شاه امری یقینی و اثباتی شمرد و یقین کرد شاه مثل یزید، حاکم جائز حيله گری است که حرام خدا را حلال می‌شمرد و با سنت پیامبر خدا مخالفت می‌ورزد و پیمان خدا را می‌شکند و... از این رو پیکار و جهاد خود را علیه شاه به عنوان ادای واجب الهی آغاز کرد.

خمینی الحسین اتی فأحیا  
مأثر جدده لله فصد...  
رأی رأی الحسین السبط أمراً  
بان الشاء مثل یزید و غد

(قائم شرف، النباء العظیم، ۷۰)

خمینی حسین وار آمد و به قصد نیت الهی، ارزش‌ها و مآثر جدش را احیاء نمود. او اندیشه و دید حسین فرزند پیامبر (ص) را در باره شاه که چون یزید، حاکم پست، فرومایه و حيله گری است امری یقینی و معتبر دانست.

ان الخمینی حسین جاء منتصراً  
من کربلاء و فیها الشاء منهزم  
(عجمی، نعم لعینک، ۲۵)

خمینی پیروزمندانه، حسین وار از کربلا آمد و در آنجا شاه را از عرش ملوکانه به خاک مذلت و شکست نشانید.

## - یاری دین اسلام

از جمله اسبابی که موجب قیام عاشورای امام حسین (ع) گردید، از بین رفتن حقیقت اسلام به دست بنی امیه و کشیدن قلم سرخ بر چهره سرخ و نورانی دین اسلام و وارونه جلوه دادن آن و در یک کلمه، قضیه خدا و اسلام است. (سعادت مؤسسه نشر، قیام عاشورا... صص ۲۹ و ۳۰).

در تبیین این مطلب از گفتار امام (ع) استفاده می‌شود:

«ان كان دين محمد لم يستقم الا بتغلي فياسوف خذيني»

یا خطبه‌ای که در منطقه ذی حسم ایراد کرد و خطاب به مردم فرمود:

«الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهي عنه... فاني لا اري الموت الاستعادة و الحياه و مع الظالمين الا برماة ايا نمى بينيد که حق به کار بسته نمى شود و از باطل نهی کرده نمى شود... پس من مرگ را جز سعادت و زندگى با ستمگران را جز رنجش و انزجار نمى بينم (الحراني، نصف، ۲۲۱).

امام (ره) از نهضت عاشورا چنین آموخته بود که هرگاه حق و حقیقت (دین اسلام) به دست دستگاه ستمگر تحقیر، سرافکننده و نابوده شده باشد؛ باید آتش جهاد و مبارزه را بر افروخت. از آنجا که حق را در صحنه جهانی به دست حاکمان زور و زور شکست خورده و نابود شده یافت، مانند حسین (ع) شمشیر را به دست گرفت و جهاد و نهضت عاشورایی خویش را برپا کرد.

شاعر عربی با بیان این مطلب نقش نهضت عاشورا را در شکل‌گیری انقلاب اسلامی چنین عنوان می‌کند:

تسعین عاماً بميدان الجهاد قضی لم يتن من عزمه المنفى و ما رهبا  
أزرى بطاغوت العصور و جهبتها لولاء ما زعزع الطاغوت و انقلابا

(محمود، هذا لامام...، ۵۷)

امام نود سال از عمر خویش را در میدانهای کارزار و جهاد سپری کرد؛

تبعیدگاههای مختلف عزم او را سست نکرد و در طول مبارزه ترس به دل راه نداد. از این رو طاغوت و بت زمان را تحقیر و نابود کرد و اگر او نمی بود، عرش طاغوتیان به لرزه نمی افتاد و ویران نمی گشت.

شاعر در ادامه ابیات خود، علت نهضت عاشورایی امام (ره) را چنین بیان می دارد:

صحبت و جهک قرآناً ارتله      قرأت فيه الهدى و الوعد و الادبا  
وجه رأى الحق مهضوماً فأزره      بغضبه ولغیر الحق ما غضبا

(محمود، هدا لامام...، ۵)

صورت تو چون قرآنی به همراه من است و آن را تلاوت می کنم؛ در آن هدایت، ادب و وعده و وعید را قرائت می کنم. صورت قرآن گونه تو حقیقت را در جامعه شکست خورده یافت، بدین سبب با پیکار خشمگین خود آن را یاری کردی و خشم خود را فقط در جهت کسب رضای خدا به کار گرفتی. از آنجا که ماهیت قیام امام حسین (ع) یاری دین جدش و جلوگیری از همه انحرافات دینی بوده، هویت نهضت امام خمینی نیز چیزی جز یاری و نصرت دین خدا نبوده است.

شاعر لبنانی انقلاب اسلامی را چنین معرفی می کند:

آمنت بانشوره العظمى هويتها      ان تنصروا الدين اسراراً و اعلاناً

(ابو جهاد، نصر من الله، ۷۲)

به انقلاب بزرگ ایران ایمان آوردم، انقلابی که هویتش در نهان و آشکار یاری دین خدا است.

شاعری دیگر انقلاب اسلامی را بکر و با سیمایی نورانی معرفی می کند که انفاس روح بخش آن عطر دین را منتشر می کند.

فانشوره البكر فى ايامنا انتصرت      فيها تغنى التوافى اجمل النعم

بصوع للدين من انفاسها عبق      اظیابه کطیوب الزهر بالنسم

(هاشم، فی ذکری...، ۲۱)

انقلاب بکر در روزگار ما پیروز شد و اشعار زیباترین ترانه‌ها را در باره آن می‌سرایند. از انفاس این انقلاب عطر دین پراکنده می‌گردد، عطری که بوی خوش آن چون بوی گل به وسیله نسیم به هر جا منتشر می‌شود.

### ۲- مخالفت با ارزش‌های الهی و سنت رسول الله (ص)

از جمله علل و عواملی که سبب شد امام حسین (ع) شمشیر حق را رد جهاد و قیام عاشورا برکشد، مخالفت و دشمنی بنی امیه با سنت پیامبر خدا (ص) و نیز ترویج گناه و حلال شمردن حرام الهی، توسط آنان بود. از این رو امام (ع) در خطبه خود در منطقه «ببضه» از قول پیامبر خدا فرمود:

«مستحلاً لحرام الله، ناکثاً. لعهد الله، مخالفاً لسنة رسول الله، يعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان» (طبری، پیشین، ۴/۳۰۴). «اگر سلطان جائری حرام الهی را حلال بشمرد، پیمان خدا را بشکند، و با سنت پیامبر خدا (ص) مخالفت ورزد، و در بین مردم با گناه و دشمنی حکومت کند، باید علیه او باگفتار و کردار شورش کرد.»

بنابراین، امام (ع) با شناخت دردهای جامعه خویش احساس وظیفه نمود و جهاد مقدس خویش را آشکارا با فریاد و اسلاما علیه حکومت ستمگر بنی امیه برپا کرد.

شعر معاصر عرب با الهام از بیانات و سیره عملی حسین بن علی (ع) که در شخصیت فرزندش خمینی کبیر تجلی یافته، ترمیمی در خور تحسین در این باره ارائه می‌دهد.

امام تیرگی ستم و ضد ارزش‌هایی که چتر وسیعش بر جامعه ایران گسترانیده شده بود، و نیز وجود ظلمانی شاهان ایران و قدرتهای پشت پرده را شناخت. او

چون ستاره‌ای درخشان به تنهایی در پرده شب ظهور کرد، خرقه گناه و معصیت را به آتش کشید و فریاد یاری اسلام را سرداد.  
وی که عصاره اسلام و چکیده تاریخ و از نسل حسین فاطمه (ع) است، برای برپایی جهاد و نهضت مقدسش، درسهای خود را از مدرسه محرم فراگرفت.  
او در حقیقت محصول و فارغ التحصیل مدرسه محرم است و همچون امام حسین (ع) دردهای جامعه خویش را شناخت. او با مرهم اندیشه و فرهنگ عاشورایی خود دردهای جامعه را التیام و شفا بخشید و جهاد را به عنوان فریضه الهی در برابر همه ستمگران جهان زنده کرد.  
شاعر عربی در این باره چنین می‌گوید:

انساح: انى النصر الاسلاما	شق الظلام و أرب الظلاما
و هج يشع فيحرق الأثاما	قطب تفرّد فى الدجى بسناً له
و خلاصه التاريخ عاماً عاماً	و خلاصه الاسلام فيه تمثلت
هز العوالم فارساً و هماما	من نسل فاطمه البنول، حسينها
عبر العصور مشاعلاً اعلاما	خريج مدرسه المحرم خرجت
و شفى بيلسم فكره الاستقاما	قد ابصر الادواء و هو دواؤها
لانسق امريكا و لا صداما	قال: الجهاد فریضه فلنحبها

(العمرائى، ذکری الامام، ۹۰)

پرده تاریک شب را درید و لریزه بر اندام ستمگران افکند، آنگاه که فریاد بر آورد که من اسلام را یاری می‌کنم. امام چون ستاره‌ای با نور فروزنده‌اش در پرده شب ظهور کرد و خرقه گناه را به آتش کشید. عصاره اسلام و خلاصه سأل به سال (= عمر) تاریخ در شخصیت وی نمایان شده است.

او از نسل حسین فاطمه (ع) است که دل‌های تک سواران و دلبران صحنه نبرد و پادشاهان شجاع و سترگ عرصه گیتی را به لریزه انداخت. او از مدرسه محرم فارغ

التحصیل شده است؛ مدرسه‌ای که در طول اعصار شخصیت‌هایی چون مشعل‌های نوزانی و پرچم‌های سرافرازی را تربیت کرده است. وی دردهای جامعه خویش را شناخت و خود داروی شفابخش آن گردید و با مرهم اندیشه‌اش دردها را التیام بخشید. او گفت: جهاد فریضه است و باید آن را زنده بداریم و اثری از امریکا و صدام بر روی زمین باقی نگذاریم.

### ۱- احساس وظیفه و تکلیف الهی

از عوامل دیگری که موجب گردید امام حسین (ع) در صحنه جهاد مقدسش گام‌های خونین بردارد؛ احساس وظیفه، مسئولیت و تکلیف الهی بود در برابر جامعه و امت خویش و نیز در برابر حاکم ستمگری که به عنوان خلیفه مسلمانان مستبدانه حکومت می‌کرد. امام خمینی (ره) خود در این خصوص می‌گوید:

«اینکه حضرت ابی‌عبدالله (ع) نهضت کرد و قیام کرد با عددکم، برای اینکه گفتند تکلیف من این است که استنکار کنم، نهی از منکر کنم.» (خمینی، پین، ۱۵/۱۶). و در جای دیگر می‌گوید: «اینجا بود که تکلیف اقتضا می‌کرد برای بزرگان اسلام که مبارزه کنند و معارضه کنند و این چهره قبیحی که اینها دارند از اسلام نشان می‌دهند و اشخاص غافل، ممکن است که خیال کنند که اسلام خلافتش همین است که معاویه و یزید دارد، این است که به خطر می‌اندازد اسلام و این است که مجاهده برایش باید کرد ولو انسان به کشتن برود.» (همان، ۳۱/۷).

این گفتار حسین زمان خود ترجمان گفتار جدش حسین بن علی (ع) است که در

پاسخ به پیشنهاد مروان بن حکم مبنی بر بیعت با یزید فرمود:

«انا لله و انا اليه راجعون و علی السلام السلام اذ قد بليت الامه براع مثل یزید و لقد سمعت رسول الله يقول: الخلفه محرمه علی آل ابی سفیان فأذا رأیتم معاویه علی منبری فابقروا بطنه و قد رآه اهل المدینه علی المنبر فلم یبقروا فابتلاهم الله



بیزید الفاسق» (ابن طاووس، نهر، ۳۰). ما از خدائیم و به سوی او بر می‌گردیم و اینک باید فاتحه اسلام را خواند که امت مسلمان به فرمانروایی چون یزید گرفتار شده است. آری از جدم پیامبر خدا (ص) شنیدم که فرمود:

«خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است و اگر روزی معاویه را بر بالای منبر من دیدید، شکمش را بدرید (او را بکشید). مردم مدینه او را بر منبر پیامبر دیدند و نکشتند و اینک خداوند آنان را به یزید فاسق مبتلا نموده است.»

بنابراین، امام حسین (ع) احساس وظیفه و تکلیف الهی کرد؛ شمشیر حق را کشید و آهنگ جهاد مقدسش را علیه دستگاه خلافت نواخت و بر صفحه فرهنگ و تاریخ، حماسه عاشورا را سرود و جز پیروی از فرمان خداوند متعال و رضای او، نیت و مقصودی نداشت.

شاعر عربی با بیان این مطلب - که امام وحی الهی را به صورت شعر در آورد و پس از گذشت پانزده قرن، سجده بر مهر سازش را چون سجده در برابر بتان، شرک شمرد و حماسه جهاد را نه احیاء بلکه ابداع کرد - نقش و تأثیر قیام عاشورا را در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران بیان می‌دارد؛ بدین گونه که می‌گوید نه تنها خود در برابر دستگاه شاهنشاهی و وضعیت امت اسلام در ایران، احساس وظیفه و تکلیف کرد، بلکه تمامی گروه‌های مردم را سازماندهی کرد تا واجب و تکلیف الهی را ادا کنند و سرود جهاد مقدس را علیه رژیم شاهنشاهی سر دهند و آن را ویران سازند. او خطاب به امام چنین می‌گوید:

یا شاعر الوحی قد ابدعت ملحمة  
من الجهاد تفوق الشعر و الادبا  
نظمت شمل فئات الشعب فانطلقت  
الی النضال تؤدي فيه ما وجبا  
حتى اطاحت بعرش الظلم معطيه  
لك التیاد زعیماً مخلصاً و اباً  
(عبدالرحیم، فرائد القصائنه، ۳۵/۱)

ای کسی که وحی را به صورت شعر سرودی، تو حماسه جهاد را به شکل نوبتی

درآوردی که بر شرع و ادب فایز آید.

تو ای امام! گسیختگی گروه‌های مردم را سازماندهی کردی به گونه‌ای که همگی به طرف مبارزه گسیل شدند تا وظیفه و تکلیف را ادا کنند.

تا جایی که عرش ظلم را ویران ساختند در حالی که رهبری خود را به عنوان پیشوایی مخلص و پدري مهربان به تو سپرده بودند.

دیگر شاعر معاصر عربی در باره احساس وظیفه و ادای تکلیف و مسئولیت الهی

می‌گوید:

«امام خمینی به جرأت فریاد برآورد که باید پرچم جهاد را در مقابل دشمن برافراشت و با جهاد ادای وظیفه و تکلیف کرد؛ در این مسیر، کشته شدن یا پیروزی، در آغوش کشیدن احدی الحسین است که در هر صورت مطمح نظر است. همچنین فرمود اگر خود به تنهایی در میدان جهاد تکلیف و وظیفه الهی را ادا نمایم، باکی نیست و از سرزنش احدی ترسی به دل ندارم.»

شاعر با بیان این مطلب، عمق تعلیم و تربیت امام را در مدرسه حسین (ع) و عاوشا و به عبارت دیگر نقش و تأثیر امام حسین (ع) و فرهنگ عاشورا را در شخصیت امام خمینی در طول جهاد مقدسش بیان می‌کند. او چنین می‌گوید:

قال الخميني الأبى بجراً	فلنحشر أفواء العدو رغماً
فاذا قتلنا قد و فبنا ما اقضى	شرف الشهادة حسب ذاك مرأما
و اذا ظنرنا فالحياة حياتنا	عزفتحس عند ذاك مقاماً
بل قال روح الله: وحدي شائراً	ابتنى و لا اخشى بذاك ملاماً

(همان، ۹۴/۱)

خمینی بزرگ منش با جرأت فریاد برآورد که باید (در میدان نبرد در ایام و ادای تکلیف کنیم) دهان دشمن خدا را از خاک پر کنیم. در این راه اگر کشته شدیم به میثاق الهی عمل کرده‌ایم؛ میثاقی که مقتضی نیل به شرف شهادت است و همین ما

را مرام و مقصد است.

و اگر در عرصه پیکار پیروز شدیم، زندگی با عزت و سعادت از آن ما خواهد شد و جایگاه و استمرار خویش را لمس خواهد کرد. روح الله در صحنه پیکار از این نیز فراتر رفت و گفت: (اگر همگی میدان جهاد را ترک کنند) خود به تنهایی سلاح مبارزه و جهاد به دست می‌گیرم و از سرزنش احدی نمی‌هراسم.

حماسه سرایی مرگ و اشتیاق به آن در صحنه جهاد و مبارزه

امام حسین از آغاز جهاد مقدسش تا منزلگاه‌های بین مکه مکرمه و کربلا و از آنجا تا قتلگاه، این شعار تربیتی و حیات بخش را سرلوحه حرکت خویش و نصب العین خود قرار داده بود که: «انی لا أرى الموت الا سعادة و الحياء مع الظالمين الا برما» (عوارزمی، مقتل الحسین، ۵/۲). «من در محیط ذلت باری که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی کرده نمی‌شود، مرگ را جز سعادت و خوشبختی، و زندگی با ستمگران را چیزی جز رنج و نکبت نمی‌دانم.»

و در میدان شهادت حماسه‌های متعددی را سرود که همه گواه بر استنبال از مرگ و ذلت ناپذیری امام (ع) می‌باشد. مرگی که احیاگر اسلام، تربیت کننده انسان در نیل به فضایل و کرامت‌های انسانی است. امام (ع) در حماسه مرگ چنین آهنگ شعر را می‌سراید:

الموت اولی من رکوب العار  
والعار اولی من دخول النار  
(نجفی، سخنان حسین، ۲۹۲)

مرگ از پذیرش تنگ نکبت برتر است و پذیرش تنگ نیز از ورود به آتش.

انا الحسین بن علی  
احمى عیالات اہی  
البت ان لا انسى  
امضى علی دین النبى

(عبدالرحیم، پیشین، ۹۱/۲)

من حسین بن علی هستم و سوگند یاد کرده‌ام که در برابر دشمن سر فرود نیاورم. من از اهل و عیال پدرم حمایت می‌کنم و براساس دین جدم پیامبر اسلام (ص) حرکت و جهاد می‌کنم.

شعر معاصر عربی در تمامی جنبه‌ها، نقش و تأثیر امام حسین (ع) و قیام عاشورا را بر خمینی کبیر و انقلاب اسلامی ایران بیان داشته است؛ به طوریکه حتی در بخش رجزخوانی‌ها و حماسه‌سرایی‌های میدان پیکار و مبارزه آن به روشنی در شعر عربی رخ می‌نماید. در این بخش شاعر می‌گوید:

و سیدالشهدا و الامر یومئذ	أمت قیادته فی کف منتقم
فقال و الله لا اعطى لکم بیدی	اعطاء ذل و لا انقاد کالخدم
فلا أرى الموت الاعزه و علی	والسیف خیر جواب ناطق بقم

(هاشم، همان، ۲۱)

امروز رهبری جهاد و انقلاب عاشورا به دست انتقام‌گیرنده خون حسین بن علی (ع) خمینی کبیر است که گفت: به خدا سوگند ذلت بار بیعت را در دستان ستمگر جائر شما نمی‌نهم و چون بندگان حلقه به گوش فرمان شما را پیروی نمی‌کنم. من مرگ را چیزی جز عزت و سعادت نمی‌دانم و پاسخ شمشیر را بهترین پاسخ‌ها می‌شمرم.

شاعر در ادامه می‌گوید:

هذا الابهاء الرفیع الموهوب ثارکما	اجداده حاربوا الطغیان فی القدم
و بین جنبیه عزم من ابی الشهدا	و جراه من علی فارس الأجم
فارتاع أعداه خوفاً لهیبه	الی صلابه هذا السید العلم
والله ایده بالنصر فانتصر العملاق	بعد جهاد اء فی الأمم

(عبدالرحیم، پیشین، ۹۱/۲)

امام حسین (ع) و خمینی کبیر، هر دو طبع منبع‌دارند که از اجداد خود به ارث

برده‌اند. خمینی بزرگ اراده امام حسین (ع) و شجاعت علی بن ابی طالب (ع) را از آن دو به ارث برده است. از این رو، دشمنان از هیبت و صلابت وی به وحشت افتادند و خداوند با یاری خویش ثمره جهاد را (پیروزی) به او ارزانی داشت. شعر معاصر عربی مطالب یاد شده را این گونه ترسیم می‌کند:

در جابد یگر شعر معاصر عربی، شاعر صدای رسام امام را در صحنه جهاد و مقاومت به تصویر کشیده است. بدین گونه که امام بانگ برآورد که همه جهانیان بشنوند و به مانند جدش حسین بن علی (ع) خود را با حماسه‌سرایی و رجزخوانی چنین معرفی کرد:

«من مسلمانی آزاده، بلند همت و بلند پروازم که به مرگ در راه حق راضی شده و به استقبال آن می‌روم؛ من باخون خود در پهن دشت آسمان نوشته‌ام که اگر خون شهید نباشد، دین خدا و عبودیتش در جهان متحقق نمی‌شود.»

شاعر بانگ امام را در شعر خویش بدین گونه زیبا منعکس کرده است و از ملت خویش می‌خواهد که بدان گوش فرا دهند:

«کالنسر فوق القمه السماء»	أنا مسلم حر الإرادة شامخ
و كتب في أفق السماء بدمائه	أنا سرت اللموت المحتم راضياً
لم يعبد الرحمن في الأرجاء»	«لو لا انفجار دم الشهادة هادراً
عنهم تحدث «سورة الأسراء»	أنا من أولى بأس رجال لم تنزل

(شیخ یوسف، یا امه...، ۶۲)

(بیاید و) به صدای انسان پیکارگر استوار، گوش فرا دهید که (برای معرفی خویش) بانگ برآورد و هستی با پژواک خود آن را پاسخ گفت. (در همه هستی پیچید) (او خود را چنین معرفی کرد):

من مسلمان، آزادی خواه، بلند همت و بلند پرواز چون عقاب بر بالای قله‌ای سر به فلک کشیده، هستم. من به رضایت به مرگ حتمی و مقدر، جنبش و جهاد

خویش را پی گرفتم و با خون خود در افق آسمان نوشتم:  
 که اگر خون شهادت منفجر نمی‌شد و فوران پیدا نمی‌کرد، جهانیان خدای  
 رحمان را عبادت نمی‌کردند. من از جمله صاحبان قدرت، صلابت و شجاعت  
 هستم، مرانی که همواره سوره اسراء درباره آنان سخن می‌گوید.  
 خمینی بزرگ نه تنها خود در میدان جهاد و فداکاری به استقبال مرگ رفت، بلکه  
 چهره زیبای فداکاری، شهادت و جان سپرده بر بالای نیزه‌ها را آن گونه که از  
 حسین (ع) و عاشورا آموخته بود، نمایاند و آن را شاهدی بازاری کرد، به طوری که  
 اموج عاشقان به سمت او پرتاب می‌شدند و این موجب شد که دستگاه جور و ستم  
 متلاشی و ویران، و کفر، محو و نابود گردد.

شاعر معاصر عرب این مطلب را بدین گونه به تصویر می‌کشد:

أقامت الفنا سوقاً علی ساحه الفنا      الی أن تلاشی الجور و انسحق الکفر

(عبدالرحیم، پیشین، ۱۰۰/۲)

جان سپرده را بر بالای نیزه‌ها در بازاری (گرم که همه برای رفع نیاز بدان رفت و  
 آمد می‌کنند) در آوردی (تا همه خواسته خویش یعنی شهادت را برآورده کنند) تا  
 جور و ستم متلاشی، و کفر نابود گردید.

### نتیجه

۱. نهضت امام حسین (ع) نقش مهم و تأثیر بسزایی در پیدایش انقلاب اسلامی ایران در همه مراحل پیش از پیروزی، پیروزی و پس از آن داشته و در حقیقت الگوی روشن، گویا و نیکویی برای انقلاب اسلامی بوده است.
۲. همه عوامل و اسبابی که به قیام عاشورای حسینی منجر شد، در پیدایش جنبش الهی مردم امام ظهور و بروز کرد. در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:  
 الف) وجود حکومت ظالمانه شاه و فراگیردن ظلم و ستم دستگاه جائرانه.

- ب) از بین بردن ارزشهای برگرفته از قرآن کریم و سنت رسول الله (ص) و جایگزین کردن فرهنگ مبتذل غرب در همه سطوح جامعه.
- ج) شناخت وظیفه و احساس مسئولیت و تکلیف شرعی در برابر آن.
۳. عاشورای حسینی درس جهاد، شهادت، صبر و پایداری را به عنوان یک فرهنگ به همگان آموخت و امام این فرهنگ را که پوشیده از غبار غفلت و فراموشی بود، در میان همه اقشار جهان از پیر و جوان، زن و مرد احیا کرد به گونه‌ای که همگان در صحنه‌های نبرد حضور می‌یافتند و حماسه‌سرایی می‌کردند و عاشقانه و سرمستانه مرگ را در آغوش می‌گرفتند.
۴. امام خمینی (ره) حسین گونه در صحنه‌های مختلف جهاد و شهادت حاضر شد و با الگو گرفتن از نهضت عاشورا، مردم را نسبت به موارد یاد شده آگاه ساخت. او در حقیقت معمار و سکان دار کشتی انقلاب بود.
۵. مردم در این میان چون اصحاب با وفای امام حسین (ع) به گرد امام خمینی درآمده به گوش جان سخنان او را می‌شنیدند و پیروی می‌کردند و عاشقانه سر و جان می‌باختند.
۶. شاعران معاصر عرب با ادراک قوی، پرده از نقش و تأثیر نهضت امام حسین (ع) بر انقلاب اسلامی برداشته و هنرمندانه و با بیان زیبا آن را در تابلوی شعر عربی ترسیم کرده‌اند.

## منابع

### الف) کتابها

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، لهنوف، ترجمه صفحی، کتابفروشی علمی، قم، ۱۳۸۲ق.
۲. الحران، ابن شعبه، تحف العقول، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۳ش.
۳. خمینی، روح الله، صحیفه نور، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

تهران، ۱۳۶۱.

۴. خوارزمی، موفق‌الدین احمد بن محمد، مقتل‌الحسین.
۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالتراث، بیروت، بی تا.
۶. عبدالرحیم، محمد، فرائد القصائد فی الخمینی القائد، دارالمختارات العربیه، دمشق، ۱۴۱۲ هـ / ۱۹۹۱ م.
۷. معاونت پژوهشی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قیام عاشورا در کلام و بیان امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۳.
۸. نجفی، محمد صادق، سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ ش.

### ب) مجلات

۱. مجله الثقافه الاسلامیه، شماره ۳۱، راینزی فرهنگی ایران در دمشق، دمشق، سوریه، ذوالقعدہ و ذوالحجہ، ۱۴۱۰ هـ / ۱۹۹۰ م.
۲. مجله الراصد، شماره ۹، لبنان، بیروت، تموز ۱۹۹۱ م.
۳. مجله الراصد، شماره ۱۷، لبنان، بیروت، آذر ۱۹۹۲ م.
۴. مجله الراصد، شماره ۲۱، لبنان، بیروت، تموز ۱۹۹۲ م.
۵. مجله المنطق اللبانیه، شماره ۵، لبنان، بیروت، ۱۳۹۹ هـ / ۱۹۷۹ م.